

**Factors Responsible for Women's Attraction to the People's Mojahedin
Organization of Iran (1981-1988)**

Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli¹

Maryam Fattahi²

Abstract

Research Paper

Mohammad Hanif-Nejad, Saeed Mohsen and Asghar Badiadzadegan founded the People's Mujahedin Organization in 1965. The name of this organization was the People's Mujahedin Movement. In the early stages, the organization was opposed to the recruitment of women; but from 1969 on, women's recruitment was approved as a security cover against the Iranian Intelligence and Security Organization (SAVAK) as well as a measure not to lag behind the political competitors. With the victory of the Islamic Revolution, the organization was able to attract some Muslim women and girls who had a sense of responsibility towards the revolution and their society. The objective of this article is to investigate how women were attracted to and recruited by the People's Mujahedin Organization from 1979 to 1981. The findings of the research show that the People's Mujahedin was able to attract a number of girls and women by publishing pamphlets, statements, carrying out activities in universities and schools, as well as publishing their viewpoints in the *Mujahed* magazine. The attraction of women to the organization was not only the product of their activities, but the weak performance of rival Islamic parties was also considered as another factor responsible for the women's interest in joining the organization.

Keywords: People's Mojahedin Organization of Iran, political phase, Islamic Republic Party, Women, Political participation.

1. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, (Corresponding Author), Email: sadat@ri-khomeini.ac.ir

2. MA Student, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran, Email: maryam.fattahi.za@gmail.com

عوامل جذب زنان به سازمان مجاهدین خلق ایران (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

سید محمود سادات^۱

مریم فتاحی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده: محمد حنیف نژاد، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان در سال ۱۳۴۴ سازمان مجاهدین خلق را تأسیس کردند. نام این سازمان در ابتدا نهضت مجاهدین خلق بود. سازمان در ابتدا مخالف ورود زنان بود؛ اما از سال ۱۳۴۸ عضویت زنان به‌عنوان پوشش امنیتی در برابر ساواک و برابری با دیگر رقبای سیاسی موردپذیرش قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی سازمان توانست برخی از زنان و دختران مسلمان را که در برابر انقلاب و جامعه خویش احساس وظیفه می‌کردند به سمت‌وسوی خود بکشاند. هدف این مقاله بررسی نحوه جذب زنان به سازمان مجاهدین خلق در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مجاهدین خلق با انتشار جزوات، بیانیه‌ها، فعالیت در دانشگاه و مدارس و نیز انتشار دیدگاه‌های خود در نشریه مجاهد، توانست عده‌ای از دختران و زنان را جذب کند. جذب زنان به سازمان فقط محصول کار آنان نبود بلکه عملکرد ضعیف احزاب اسلامی رقیب نیز از دیگر عوامل پیوستن زنان به سازمان محسوب می‌شد.

کلیدواژه‌ها: سازمان مجاهدین خلق، فاز سیاسی، حزب جمهوری اسلامی، زنان، مشارکت سیاسی.

۱. استادیارگروه تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: sadat@ri-khomeini.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشگاه امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
E-mail: maryam.fattahi.za@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۱۸

پژوهشنامه تبیین / سال بیست و چهار / شماره نود و چهار / بهار ۱۴۰۱ / صص ۱۲۷-۱۰۷

مقدمه

شرکت فعال زنان ایرانی در مبارزات سیاسی با شروع فعالیت گروه‌های چریکی علیه حکومت پهلوی آغاز شد. زمانی که جامعه سنتی ایران سهم مبارزاتی زنان را تنها تربیت فرزندان و پشتیبانی شوهران خود می‌دانست. آن‌ها توانستند با ورود به محیط‌های آموزشی نظیر دانشگاه‌ها و کسب آگاهی، از قیدوبندهای سنتی زمانه خویش عبور کنند و در کنار دیگر افراد به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه خود بپردازند. عده‌ای از آن‌ها با شرکت در تظاهرات و اعتصابات صنفی و سیاسی نسبت به اقدامات حکومت پهلوی معترض و خواستار برکناری آن‌ها از قدرت شدند. سرانجام این کشمکش و درگیری سبب شد فعالیت منتقدین حکومتی به شکل مخفی ادامه پیدا کند و زمینه رشد تشکل سیاسی با شیوه چریکی فراهم شود. یکی از این تشکل‌های چریکی سازمان مجاهدین خلق بود (نجات حسینی ۱۳۷۹: ۳۳۸). پیوستن زنان به این سازمان سیاسی از سال ۱۳۴۸ آغاز شد و قبل‌تر از آن عضوگیری زنان مطرح نبود (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۳۳۸)؛ اما پس از دستگیری‌های گسترده شهریور ۱۳۵۰ و زندانی شدن بخش مهمی از کادرها و اعضای تشکیلات، خانواده‌های بسیاری درگیر مسائل زندانیان خود شدند (صابر ۱۳۹۰: ۷۵)، در این مرحله زنان به دلایل امنیتی و جلوگیری از سوءظن ساواک باید نقش فعال‌تری بازی می‌کردند. در نتیجه سازمان به این مسئله توجه لازم را پیدا کرد و البته باید از این امر اطمینان حاصل می‌کرد که افراد به دلایل خانوادگی و یا اجتماعی مجبور به ترک سازمان نخواهند شد؛ بنابراین به عضوگیری برخی از دختران و زنان فقط از خانواده‌های مبارز پرداخته شد (بازرگان ۱۹۹۹: ۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروهای بی‌شمار تشکیلاتی سازمان که عمدتاً زندانیان آزادشده بودند، به طور فعال وارد صحنه سیاسی کشور شدند (مراد حاصلی خامنه ۱۳۸۶: ۱۶۸). در این میان علاوه بر مردان بعضی از زنان مسلمان برای ادامه فعالیت‌های سیاسی خود به تشکیلات مجاهدین پیوستند. با وجودی که مسئله ورود زنان به سازمان یکی از موضوعات بحث‌برانگیز است؛ اما پژوهش مستقلی در زمینه عضویت زنان در سازمان مجاهدین خلق بعد از انقلاب صورت نگرفته و فقط یک پایان‌نامه در ارتباط با فعالیت سیاسی و نظامی زنان در سازمان مجاهدین خلق قبل از انقلاب نوشته کبری ربانی موجود است.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی با تکیه بر کتب، اسناد و مصاحبه‌ها با زاویه دید متفاوتی درصدد پاسخ به این سؤال است که چه عواملی باعث جذب زنان به سازمان مجاهدین خلق در فاصله زمانی ۱۳۶۰-۱۳۵۷ شد؟ در این مقاله یکی از علل غیرمستقیم گرایش برخی از زنان به سازمان مجاهدین خلق، حضور اندک زنان، عدم تشکیلات، عدم تمایل به شرکت در فعالیت‌های سیاسی و درنهایت دیدگاه سنتی نسبت به حضور آن‌ها در اجتماع توسط احزاب اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بیان شده است.

۱. مؤلفه‌های تأثیرگذار در جذب زنان به سازمان مجاهدین خلق

این قسمت از پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که زنی با خصوصیات کلی زن مسلمان رشدیافته در خانواده مذهبی، فاقد نگاه سنتی نسبت به مشارکت سیاسی زنان در جامعه و تحت تأثیر فضای سیاسی آن زمان (مصاحبه با مریم سنجایی ۱۳۹۱/۴/۷) چرا بعد از پیروزی انقلاب به سمت وسوی سازمان مجاهدین خلق گرایش پیدا کرد؟ این عوامل در پژوهش حاضر به دودسته ۱. عوامل مستقیم: روش‌هایی که سازمان برای عضوگیری افراد به صورت علنی به کار می‌گرفت. ۲. عوامل غیرمستقیم: دلایلی که زمینه را برای گرایش زنان به عضویت در سازمان مجاهدین خلق فراهم می‌ساخت تقسیم شده است.

۱-۱. عوامل مستقیم (از خانواده تا اجتماع)

۱-۱-۱. محیط خانوادگی

فعالیت‌های مخفی سازمان در پیش از انقلاب باعث شده بود تا افراد از طریق خانواده به عضویت سازمان مجاهدین خلق درآیند. آن‌ها تحت تأثیر عقاید سیاسی همسر، برادر، دوستان یا همکاران خود که از اعضای سازمان بودند به سمت وسوی فعالیت‌های سیاسی گرایش یافتند. پوران بازرگان، مریم عضدانلو قاجار (حتی‌بن ۱۳۹۳: ۳۷)، بتول فقیه دزفولی، صدیقه رضایی، سرور آلاپوش و لیلا زمردیان را برادرانشان به سازمان مجاهدین خلق جذب کردند (حجازی بی‌تا: ۵)، گاهی اوقات زنان فعال در سازمان خود نیز عاملی برای جذب دیگر زنان و دختران قرار می‌گرفتند؛ به‌طور مثال عذرا علوی طالقانی با شرکت در جلسات نیمه مخفی در محلات جنوب تهران با بهجت تیفکچی از افراد عضو آشنا شد و به سازمان

پیوست (نشریه مجاهد، ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸). منیژه بوستان از طریق پوران بازرگان مدیر مدرسه رفاه علاقه‌مند به شرکت در فعالیت سیاسی گردید و اندکی بعد به سازمان مجاهدین خلق پیوست (مراسان ش ب ۱۸۷۱: ۲۳). از دلایل مؤثر دیگر به نقش حمایتگر همسران می‌توان اشاره کرد. شوهرانی با خصوصیات نظیر یک چریک، زندگی جان‌برکف، عشقی همراه با گل خون (میثمی ۱۳۹۸: ۱۰) به‌عنوان همسر ایدئال و شریک زندگی زمینه را برای فعالیت سیاسی همسران خویش فراهم می‌ساختند (حجازی بی‌تا: ۱۱۴)، نمونه آن دختری به نام اکرم پریداری است که در اسناد ساواک بستگانش وضعیت وی را چنین تشریح کرده‌اند:

«... اکرم اغلب اوقات کتاب‌های صمد بهرنگی و دکتر شریعتی را مطالعه می‌کرد. هرگاه به او پیشنهاد ازدواج داده می‌شد عنوان می‌کرد شوهری می‌خواهم که بمب و نارنجک درست کند. او در نامه‌ای برای والدین خویش نوشته است با پسر کارگری فرار کرده و هرگز به خانه باز نخواهند گشت...» (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۱۹۰).

۱-۱-۲. اجتماع

با پیروزی انقلاب اسلامی و سرمایه‌گذاری سازمان بر بخش اجتماعی و مدنی عضوگیری اعضا نسبت به سال‌های قبل از انقلاب که به‌صورت مخفی و از طریق دوستان، آشنایان و خانواده‌ها انجام می‌شد روند صعودی به خود گرفت. تشکیلات سازمان در فاصله زمانی ۱۳۵۷- تا ۱۳۶۰ شامل بخش اجتماعی، بخش نشریه و انتشارات، بخش اجرایی و بخش شهرستان بود. از میان بخش‌های ذکرشده تنها بخش اجتماعی وظیفه جذب و تربیت افراد، تغذیه نیروهای انسانی، پیاده کردن خطوط سیاسی، جمع‌آوری امکانات اعم از پول و خانه را بر عهده داشت. بخش اجتماعی خود نیز از نهادهای دانش‌آموزی، دانشجویی، نهاد محلات، نهاد کارگری و نهاد کارمندی تشکیل شده بود (قنبری ۱۳۸۷: ۵۳).

۱-۱-۲-۱. نهاد دانش‌آموزی

نهاد دانش‌آموزی در تهران به چهار منطقه، غرب، جنوب، شرق و مرکز تقسیم شده بود که در رأس هر منطقه یک نفر به‌عنوان مسئول قرار داشت (قنبری ۱۳۸۷: ۱۴۷). دانش‌آموزان هوادار در قالب گروه‌ها با اجرای سرودها و ورزش‌های همگانی که به ورزش‌های «میلیشیا» معروف بود با اجرای یکدست و هماهنگ مورد استقبال دیگر دوستان خود قرار می‌گرفتند و آن‌ها را نیز ترغیب می‌کرد که به جمع هواداران بپیوندند (مراسان ش ب ۱۷۸۸۳: ۹)، از

دیگر موارد فعالیت‌های آن‌ها در زمینه جذب، برگزاری گروه‌های مطالعاتی و آموزشی بود. این گروه‌های مطالعاتی را سرگروه‌ها اداره می‌کردند و آن‌ها وظیفه داشتند جزوات و کتب سازمان را که دربرگیرنده موضوعاتی نظیر انقلاب‌ها و مذهب، نحوه استفاده از اسلحه، زنان باید چگونه باشند و چه خصوصیتی داشته باشند (مراسان ش ب ۵۴۲۰: ۱۲۰) و زندگینامه و سوابق مبارزاتی شهدای اولیه نظیر سعید محسن و حنیف نژاد با تأکید هر چه بیشتر بر زندگی فاطمه امینی به عنوان الگوی زن مجاهد بود در اختیار اعضای گروه خود برای مطالعه قرار دهند و اگر ابهامی وجود داشت سرگروه وظیفه داشت به آن‌ها پاسخ دهد (مراسان ۵۴۸: ۱۲۰). در مواقعی که سرگروه از عهده پاسخ‌گویی به سؤالات بر نمی‌آمد فردی مسئولیت جمع‌آوری و ارجاع سؤالات بی‌پاسخ به مقامات بالاتر را بر عهده می‌گرفت (مراسان ش ب ۱۷۱۵۸: ۷۱). برگزاری سالگرد شهدای سازمان در مدرسه، پخش تراکت‌ها که از پیام‌های اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی انتخاب شده بود، نوشتن خبرنامه مجاهد در پای تخته‌های کلاس درس از دیگر کارهایی بود که برای تثبیت هر چه بیشتر سازمان و تشکیلات آن صورت می‌گرفت (مراسان ش ب ۱۱۴۸۳: ۲۱).

۲-۱-۱. نهاد دانشجویی

از دیگر محیط‌ها برای تداوم و شروع فعالیت‌های مبارزاتی محیط دانشگاه بود. اکثریت زنان دانشجو از طریق انجمن اسلامی به فعالیت‌های سیاسی راه می‌یافتند. بعد از مدتی به دلیل اختلافات پیش آمده، انجمن اسلامی دچار دودستگی شد و به دودسته انجمن دانشجویان مسلمان وابسته به سازمان مجاهدین خلق و انجمن اسلامی متعلق به دانشجویان پیرو خط امام تقسیم گردید (مراسان ۵۴۲۰: ۳۴). انجمن دانشجویان مسلمان هوادار در چهار بخش ۱. فرهنگی؛ ۲. روابط؛ ۳. ملیشیا و ۴. تبلیغات به فعالیت می‌پرداختند. علاوه بر این انجمن‌ها، اتحادیه دانشجویان مسلمان و نهادهای دانشجویی نیز وجود داشتند. آنان برای سازمان‌دهی اتحادیه‌های دانشجویان و برقراری ارتباط به دو بخش «استادان متعهد» و «مقامات» تقسیم می‌شدند. استادان متعهد با استادان و دانشجویان هوادار تشکیلاتی و غیر تشکیلاتی، مارکسیست‌ها و بی‌خط‌ها ارتباط می‌گرفتند و بخش مقامات به ارتباط انجمن دانشجویان با مقامات جمهوری اسلامی از بنی صدر تا نمایندگان مجلس می‌پرداخت (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۳۴۳)، تبلیغات، فروش نشریه و تأسیس کتابخانه اسلامی (مراسان ۵۴۲۰: ۳۴) همراه با دیگر فعالیت‌ها در قالب

اردوهای سازندگی برای بهبود اوضاع مناطق محروم توسط عده‌ای از دانشجویان هوادار با نام مجاهدین خلق و مسعود رجوی انجام می‌شد. «حوریه سعیدی» یکی از دانشجویان پیرو خط امام دربارهٔ نحوه جذب اعضای سازمان در اردوهای سازندگی چنین می‌گوید:

در ابتدا بگویم سازمان در ابتدا سراغ افرادی می‌رفت که درون‌مایه‌های سیاسی داشته باشند یا به اصطلاح کله‌هایشان بوی قورمه‌سبزی دهد. یک روز یکی از همکلاسی‌هایم به نام «سروش» از من خواست پول یا لباسی که جمع‌آوری کردیم با نام سازمان در اختیار زاعنه‌نشین‌ها قرار دهیم. من به او گفتم با نام امام خمینی بهتر نیست آن‌ها سازمان را نمی‌شناسند؟ او گفت: وظیفهٔ ما همین است. ما باید آن‌ها را با سازمان آشنا کنیم. همین مسئله باعث شد که فردا جواب سلام من را ندهند. چون متوجه شده بودند که من هوادار سازمان نمی‌شوم. بعد از مدتی دخترها به سراغ من آمدند و جوابی دریافت نکردند. بعد به‌طور کلی من را حذف کردند. البته در ابتدا پسرها به سراغ دختران می‌رفتند و سعی می‌کردند از شیوه‌های احساسی و عاطفی برای جذب یکدیگر استفاده کنند. این شیوه را از چپ‌ها آموخته بودند (ارتباط شخصی، ۷ مرداد ۱۳۹۷).

ارزیابی افراد توسط هواداران در اوراق بازجویی یکی دیگر از زنان دانشجو به چشم می‌خورد، او دربارهٔ چگونگی جذب خود و دیگران به سازمان نوشته است:

... در اهواز بعد از آنکه وارد دانشگاه شدم به انجمن دانشجویان مسلمان رفتم در آنجا فردی نشسته بود. به او گفتم تمایل دارم با شما همکاری کنم. اسم و رشته دانشگاهیم را پرسید. با من صحبت کرد و حرف‌هایم را شنید و من را به یکی از خواهران هوادار معرفی کرد. او دوباره تمام سوابق من را پرسید. کم‌کم من با افراد دیگری آشنا شدم. بعد از مدتی فعالیت، مسئولیت جذب افراد دیگر به عهدهٔ من گذاشته شد. دختری بود در دانشکده که حجاب نداشت با او صحبت کردم. از روایات قرآن و این که زن باید چگونه باشد برایش گفتم و بعد اعلامیه‌های سازمان را به او دادم و از او خواستم آن‌ها را بخواند ... (مراسان ش ب: ۵۶۹۷: ۱).

زنان دانشجویان سازمان علاوه بر وظایف جذب به کارهای صنفی نظیر شست و شوی ظروف، تهیه و تدارکات غذا، مرتب کردن انبار آذوقه در ستادهای وابسته به سازمان، شرکت در مراسم به مناسبت‌های مختلف برای جذب افراد، راه انداختن سخنرانی برای معرفی هر چه بیشتر کاندیدای زن مجلس از طرف سازمان، حفاظت از خوابگاه‌ها، انتظامات، تنظیم برنامه کوهنوردی، چک امنیتی خوابگاه‌ها، رفتن به زندان و کمیته به همراه مادران، برخورد با خانواده‌ها و گرفتن خبر از آن‌ها سعی در جذب و معرفی سازمان به دیگر افراد داشتند (مراسان ش ب ۵۰۴۸: ۳۰). بعد از مدتی انجمن دانشجویان مسلمان با شروع انقلاب فرهنگی تعطیل و با ستاد مرکزی سازمان ادغام شد (مراسان ش ب ۵۰۴۸: ۲۹).

۳-۲-۱. نهاد محلات

نهاد محلات کانال سازمان‌دهی محله به حساب می‌آمد و در انجمن‌های محلی تهران تحت پوشش سه منطقه شرق، غرب و جنوب تهران به فعالیت می‌پرداخت (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۳۶۳). انجمن زنانه خزانه انجمن یاخچی آباد، انجمن زنان غرب، انجمن محلات جنوب و انجمن میثاق در زیرمجموعه این نهاد به فعالیت می‌پرداختند (مراسان ش ب ۱۸۳۱۳: ۸۲). «نهاد محلات» هم مانند دیگر قسمت‌های تشکیلات از سه دسته تبلیغات، صنفی و روابط تشکیل شده بود که هرکدام وظایف مخصوص به خود را بر عهده داشتند. افراد برای نفوذ هر بیشتر در محله‌های تهران لباس‌های متناسب با آن محل به تن می‌کردند تا مورد توجه اهالی محل قرار نگیرند. (مراسان ش ب ۱۷۱۵۸: ۹۹) آن‌ها در قسمت تبلیغات برای جذب دیگر افراد، هر ناحیه را به دو قشر، یک شامل دانش آموزان و دانشجویان و قشر دو، افراد سن بالا و مادران تقسیم کرده بودند (مراسان ش ب ۵۴۸۷: ۲). در اسناد بازجویی یکی از زنان درباره چگونگی عضویت خود در سازمان در این بخش مطالبی عنوان شده است:

خانمی آمد که اسمش را نمی‌دانم. یک دانه مجاهد به من داد، من در جواب گفتم سواد ندارم گفت به مشتری‌هایت بده تا بخوانند، بعد از دو سه هفته به من زنگ زد که مایلید در درس نهج البلاغه شرکت کنید من علاقه داشتم و قبول کردم بعد از مدتی مرا خواستند و مسئولیتی به من واگذار کردند من به علت مشغله زیاد کنار کشیدم؛ اما بعد از مدتی دوباره با من تماس گرفتند و نشریه مجاهد و یک قوطی برای کمک به سازمان به آرایشگاه آوردند... (مراسان، ش ب ۱۰۳۹: ۶۹).

ارسال پیام به مناسبت‌هایی همچون بزرگداشت شهدای سازمان (نشریه مجاهد، یکشنبه ۴ خرداد ۱۳۵۹: ۴)، در اختیار قرار دادن منازل خود برای برگزاری مراسم تفسیر قرآن و جلسات سازمانی و تهیه امکانات برای زندگی فردی حداقل یک‌شب که توسط مادران هوادار عضو انجمن محلات در اختیار افراد سازمان گذاشته می‌شد (مراسان ش ب ۵۰۴۸: ۲۰).

۴-۲-۱. امداد پزشکی

امداد پزشکی یا به عبارتی امداد «طباطبایی» از جمله پایگاهی بود که زیرمجموعه نهاد محلات به امور درمانی و پزشکی رسیدگی می‌کرد. در رأس این نهاد «انجمن پرستاران مسلمان» بود که مسئولیت جمع‌آوری اخبار بیمارستانی، پخش اعلامیه، دریافت کمک‌های مالی از کارمندان بیمارستان و نظرسنجی از مردم در ارتباط با مسائل سیاسی را بر عهده داشت (مراسان ش ب ۵۰۴۸: ۵۳).

۵-۲-۱. نهاد کارگری

این نهاد در ارتباط با نیروهای کارخانه‌ها و عمدتاً «کارگران فعال» از شش قسمت نشریه، صنفی، تدارکات، تبلیغات، امنیتی و نیروها تشکیل می‌شد. افراد اصلی این نهاد ابراهیم ذاکری، عبدالعلی مه‌نما و عذرا علوی طالقانی بودند (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۳۶۴) و زیرشاخه‌های آن‌ها از طریق سه مسئول با مرکزیت ارتباط برقرار می‌کردند. افراد سازمان در اوایل انقلاب به علت این که کنترل خاصی بر کارخانه‌ها انجام نمی‌گرفت نیروهای خود را برای تبلیغ، سخنرانی و شعار به صورت ناشناس به کارخانه‌ها می‌فرستادند. آن‌ها با برگزاری کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه، حدیث، تأسیس کتابخانه، برپایی شوراها، پخش تراکت و ایجاد نمایشگاه به مناسبت روز کارگر و همچنین صحبت درباره مسائل سیاسی روز، نقش کارگران در انقلاب اسلامی، حقوق پایمال‌شده زنان کارگر، حمایت کارگران برای دریافت حقوق بیشتر و ممانعت از اخراج، سعی داشتند تا کارگران را به خود جذب کنند، اما اقدامات آن‌ها در این بخش بی‌نتیجه بود؛ زیرا معمولاً کارگران نسبت به آن‌ها دافعه داشتند و بعد از مدتی نیروهای سازمان که تعدادشان در این بخش به ۲۰۰ نفر هم نمی‌رسید با دستور مرکزیت از ورود به کارخانه‌ها اجتناب کردند (مراسان ش ب ۱۷۱۵۳: ۱۱).

۶-۲-۱. نهاد کارمندی

اجزای اصلی نهاد کارمندی شامل شورای مرکزی، مرکزیت نهاد، مسئول اصناف، مسئول

بازار و تدارکات، مسئول معلمین، مسئول امنیتی و مسئول تبلیغات بود که هرکدام به قسمت‌های عضو، عضو شورا، مسئول شورای مرکزی نیروها، مسئول شورای نیروها، شورای بخش نیرو، سرگروه‌ها و گروه‌ها تقسیم شده بود (قبری ۱۳۸۷: ۱۴۶). یکی از زیرمجموعه‌های این نهاد «انجمن معلمان هوادار سازمان مجاهدین خلق» بود که در سه منطقه مرکز، شمال و جنوب فعالیت داشتند. این بخش با توجه به دستوراتی که از مرکزیت سازمان می‌گرفت بعضی از معلمان را به‌عنوان امور تربیتی برای جمع‌آوری اطلاعات و اخبار، برگزاری نشست‌های تحلیل و تجمع‌های سازمانی و برپایی برنامه‌های کوهنوردی خود به مدارس مختلف و نهضت سوادآموزی اعزام می‌کرد. برخی دیگر از آن‌ها وظیفه داشتند تا دانش‌آموزان مستعد را به‌صورت فردی شناسایی و آن‌ها را به شرکت در کلاس‌های آموزشی خود تشویق کنند. (مراسان ش ب ۱۷۱۳: ۱۳). گاهی اوقات تعدادی از این دانش‌آموزان دختر به علت شرایط جامعه اجازه فعالیت سیاسی از طرف والدین خود را نداشتند؛ بنابراین معلمان هوادار در مدرسه، آن‌ها را به خرید و توزیع نشریه بین همکلاسی‌های خود در مدرسه ترغیب می‌کردند (نشریه مجاهد، سه‌شنبه ۱۸ دی‌ماه ۱۳۵۸: ۵). اگر دانش‌آموزی از هواداران سازمان در درسی ضعیف بود معلمان او را مورد حمایت قرار می‌دادند (ارتباط شخصی با حمیدرضا شمسایی، سوم شهریور ۱۳۹۷). علاوه بر دانش‌آموزان، معلمان نیز توسط اعضای سازمان مورد شناسایی قرار می‌گرفتند؛ به‌طوری‌که یکی از معلمان درباره نحوه گرایش خود به سازمان می‌نویسد:

... من علاقه شدید به معلمی داشتم و کارم را با کارورزی شروع کردم. یکی از همکارانم معلم بود که بعدها متوجه شدم هوادار سازمان است. نشریه می‌آورد و در زنگ تفریح با من حرف می‌زد. از طرف جنبش معلمین کتاب و نشریه می‌آورد. خیلی دلش می‌خواست من را هم با خودش ببرد. من در آن موقع با سازمان آشنا شدم از همان روز یک نفر را برای صحبت با من از ستاد فرستادند... (مراسان ش ب ۵۶۸۹: ۲۱).

۲-۱. عوامل غیرمستقیم

۲-۱. فضای اجتماعی و سیاسی زنان بعد از انقلاب اسلامی

باوجود آنکه پیروزی انقلاب اسلامی مرهون مشارکت گسترده زنان بود؛ اما فضای بعد از

انقلاب شرایط لازم را برای حضور زنان فراهم نکرد (صادقی ۲۰۱۳: ۹۰) اجرای برخی اقدامات نظیر لغو قانون حمایت از خانواده، عدم مشارکت زنان در مناصب سیاسی و قضاوت با اعتراض برخی از انجمن‌های صنفی زنان روبه‌رو شد. (متین و مهاجر ۱۳۹۲: ۱۹) آن‌ها به این نتیجه رسید که حکومت مردسالاراست و امیدی برای ارتقا جایگاه زنان در ایران وجود نخواهد داشت. (نشریه نیمه دیگر ۱۳۹۰: ۱۹) درباره این موضوع مه‌رانگیز از جریانی به اسم «متروک» نام می‌برد. جریانی که بر اساس اهداف و مقاصد سیاسی خود و نه قرآن و روایات اسلامی، قوانین را در جامعه برای محدودیت‌سازی زنان ایجاد کردند. (کار ۱۳۷۹: ۸۱) حتی در تفکرات و شیوه زندگی ایدئولوگ‌های انقلاب مانند امام خمینی، شهید بهشتی و آیت‌الله طالقانی دیدگاه سنتی نسب به مشارکت اجتماعی زنان در جامعه دیده نمی‌شود به‌طور مثال: امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۸ در نوفل‌لوشاتو خطاب به دانشجویان بیان می‌کند:

«اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است... شما نمی‌دانید که در جاهلیت زن چه بوده و در اسلام چه شده...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۸-۴۲۷) نمونه دیگر آن در خاطرات وحیده طالقانی دختر آیت‌الله طالقانی آمده است: «در سال ۱۳۴۲ در کنکور در رشته داروسازی قبول شدم. آقا خوشحال شدند. همین‌طور یاد می‌آید زمانی که گواهینامه گرفتم پدر شادمان شدند. درحالی‌که در آن زمان در خانواده‌های مذهبی کم‌تر به زنان اجازه می‌دادند از خانه خارج شوند» (نشریه چشم‌انداز ۱۳۹۵: ۲۵). همچنین ملوک‌السادات بهشتی درباره دیدگاه شهید بهشتی در باب حضور زنان در جامعه بیان می‌کند: «ایشان شرایط کسب تحصیلات عالی را برای خانواده و دخترانشان فراهم می‌کردند درحالی‌که ۵۰ سال پیش این دیدگاه در قم موردپسند نبود...» (<http://shafagna.com/1396/7/7>). هرچند پیروزی انقلاب اسلامی مرهون مشارکت زنان بود؛ اما حضور آن‌ها در جامعه تا سال ۱۳۶۰ به دلایل ذکرشده موردپذیرش قرار نگرفت و آن‌ها برای انجام فعالیت‌های سیاسی خود با موانع و مشکلات زیادی روبه‌رو شدند.

۲-۱- عملکرد منفی احزاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۰ احزاب سیاسی اسلامی متفاوتی شکل گرفتند؛ اما هرکدام از آن‌ها به دلایلی نتوانستند عرصه را برای ورود زنان به فعالیت‌های سیاسی فراهم آورند. در این بخش به معرفی و علل ناکارآمدی آن‌ها در زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی

زنان پرداخته می‌شود:

۱-۲-۲-۱. حزب جمهوری

در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ حزب جمهوری اسلامی را سید محمد بهشتی، سید محمد حسنی، محمدجواد باهنر، سید علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی برای تداوم نهضت انقلابی، تربیت افراد متدین در جامعه و استقلال سیاسی و اقتصادی ایجاد کردند. (www.iichs.ir)

این حزب در نهایت به دلیل عدم همفکری و همدلی در شورای مرکزی به دو یا سه شعبه تقسیم شد که هیچ کدام کارآیی لازم را نداشتند. در نتیجه به دستور امام خمینی حزب تعطیل شد (امیری ۱۳۹۵: ۷۶).

اکنون این سؤال ایجاد می‌شود که دیدگاه حزب جمهوری نسبت حضور زنان در جامعه چه بود؟ چند درصد از زنان در این حزب مشارکت داشتند؟ آیا زنان عضو خود نیز به تساوی حقوق زن و مرد در جامعه اعتقاد داشتند؟ در ابتدا به بررسی نظرات اعضای حزب پیرامون حضور زنان در جامعه پرداخته می‌شود.

۱-۲-۲-۱-۱. دیدگاه حزب جمهوری نسبت به جایگاه زن در جامعه

حزب جمهوری نظرات خود را پیرامون تساوی حقوق اجتماعی زنان در جامعه در قیاس با مردان در روزنامه جمهوری در مقاله‌ای با عنوان نقش زن در جامعه بیان کرد. طبق این دیدگاه زن و مرد در کنار هم و مکمل زندگی هم هستند و هر خطا و اشتباهی در زندگی آن‌ها بر دیگری تأثیر دارد. طرح تساوی حقوقی بین زن و مرد به معنای قرار گرفتن آن‌ها در مقابل یکدیگر است (جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۵۸: ۱۰) به عبارتی صاحبان این تفکر معتقد بودند که زن جدای از جامعه نیست که خواستار حقوق جداگانه باشد؛ حتی برخی از آن‌ها معتقد بودند که آیا زنان می‌تواند مانند مردان به کارهای سنگین و یدی مانند کندن قنات و غیره بپردازند که خواستار حقوق جداگانه هستند؟ آن‌ها در نهایت جایگاه واقعی زنان را همان «ام» و یا مادر بودن و تربیت فرزندان معرفی می‌کردند (روزنامه حزب جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۵۸: ۷) این عقیده حتی مورد تأکید برخی از زنان عضو هم قرار گرفت. منیره گرجی در مصاحبه‌ای با روزنامه حزب جمهوری اسلامی بیان می‌کند:

«زمانی که به مجلس رفتم از من خواستند به‌عنوان یک زن عضو در مجلس خبرگان

از حقوق زنان دفاع کنیم. طلاق یک طرفه را حذف کنیم. باید بگوییم ما کارهای مهم‌تر داریم که باید انجام بدهیم. جواب خون‌های ریخته شده را چه کسی باید بدهد» (روزنامه حزب جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸: ۸). «طرح مسئله‌ای به نام زن اهانتی به زن محسوب می‌شود و نباید خواستار حقوق جداگانه باشیم» (روزنامه حزب جمهوری اسلامی، سه‌شنبه ۱۱ دی‌ماه ۱۳۵۸: ۱۰).

۱-۲-۲-۱-۲-۱. تشکیلات

حزب جمهوری دارای واحدهای مختلف مانند واحد مهندسی، واحد پزشکان، واحد کارگران، واحد دانش‌آموزان، واحد دانشجویان و واحد خواهران بود. واحد خواهران یک بخش قوی تشکیلاتی نبود که خود بتواند برنامه‌ریزی کند. آیت‌الله بهشتی و هاشمی رفسنجانی و شورای مرکزی حزب برنامه‌ریزی می‌کردند و برنامه‌ها را برای اجرا به واحدهای مختلف از جمله واحد خواهران می‌فرستادند (امیری ۱۳۹۵: ۶۸، ۶۹). درباره نحوه عضویت زنان در این حزب فعالیت خاصی صورت نگرفت و فقط بعد از تشکیل آن از برخی زنان دعوت شد تا به حزب ملحق شوند. عده‌ای عضو شدند و بعضی‌ها بدون عضویت در راستای اهداف حزب فعالیت می‌کردند (امیری ۱۳۹۵: ۶۸).

۱-۲-۲-۱-۲-۳. حضور اندک زنان در انتخابات مجلس از طرف حزب جمهوری

اعضای اولیه حزب جمهوری اسلامی غالباً از مردان تشکیل شده بود در ابتدا هیچ زنی عضو حزب نبود (دادستانی انقلاب اسلامی ۱۳۶۳: ۸۱). طبق روزنامه جمهوری اسلامی به شماره ۲۱۵ از میان اسامی ۲۸ کاندیدای منتخب مردمی شورای اسلامی تنها اسم دو زن از تهران وجود داشت و از شهرستان زنی از طرف حزب کاندید مجلس نبود. هرچند کاندیدای زن از طرف سازمان مجاهدین خلق به بیشتر از ۸ نفر نمی‌رسید (نشریه مجاهد، اسفندماه ۱۳۵۸: ۲)؛ اما تعداد آن‌ها از حزب جمهوری بالاتر بود. البته در این میان عدم تمایل زنان عضو حزب به مشارکت در انتخابات مجلس را نمی‌توان نادیده گرفت. مریم بهروزی درباره پیشنهاد کاندیدایی مجلس از طرف آیت‌الله بهشتی در خاطرات خود می‌نویسد:

«در دوره اول مجلس آیت‌الله بهشتی از من و خانم دستغیب و فرشته هاشمی خواستند تا برای نمایندگی مجلس آماده شویم. خانم دستغیب پرسیدند لازم است ما کاندید شویم؟ آیت‌الله بهشتی فرمودند حتماً این کار را بکنید. با توجه به مخالف‌هایی که درباره مشارکت

زنان وجود دارد اگر در این دوره زن‌ها به مجلس نروند شاید هیچ‌وقت به مجلس راه پیدا نکنند» (امیری ۱۳۹۵: ۱۳۳). بعد از انحلال حزب جمهوری اسلامی جامعه الزینب^(س) به‌عنوان تشکیلات زنان اصول‌گرا تأسیس شد که در سال‌های جنگ و بعد از آن توانست مجوز رسمی برای ادامه فعالیت‌های خود دریافت کند.

۲-۲-۱. جامعه زنان انقلاب اسلامی

اولین حزب زنانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط اعظم طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی با نام جامعه زنان انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ اما بعد از مدتی به علت عدم حمایت از جانب دولت موقت بودجه این تشکل از سوی سازمان برنامه‌بودجه قطع گردید و دیگر فعالیت آن ادامه پیدا نکرد. این حزب در نهایت در سال ۱۳۶۹ توانست مجوز خود را از سوی کمیسیون احزاب دریافت کند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ دی‌ماه ۱۳۹۵).

۳-۲-۱. نهضت آزادی

نهضت آزادی از گروه‌های وابسته به جبهه ملی به رهبری مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۴۰ بود (آبراهامیان ۱۳۹۹: ۵۶۸). این گروه با عقاید ملی مذهبی با استنباط از آیات قرآن قائل به تساوی حقوق زنان و مردان در جامعه بودند؛ اما بر این نکته هم تأکید می‌کردند که شغل اصلی یک زن مادر برای فرزندانش است و زمانی او می‌تواند در جامعه حضور داشته باشد که به وظیفه اصلی او یعنی مادر بودن و خانواده لطمه‌ای وارد نشود. این تفکر سنتی نسبت به فعالیت اجتماعی زنان در جامعه (روزنامه‌المیزان ۱۳۵۹، سه‌شنبه ۲۵ شهریور: ۴) در میان برخی از رهبران نهضت مانند مهدی بازرگان هم دیده می‌شد؛ به‌طور مثال وی در مصاحبه با مدافعین حقوق زنان در سال ۱۳۵۸ تصدیق کرد که اسلام به زنان اجازه امام جماعت شدن و قضاوت دادگستری را نمی‌دهد؛ چون آن‌ها بیش از حد احساساتی هستند. او همچنین ادعا داشت که از نظر طبیعی هیچ تساوی بین زن و مرد در خصوصیات و طرز رفتار و توانایی‌های جسمی، اخلاقی و یا استعدادهای ذاتی نیست. او کسانی که مخالف قوانین بودند را ضد اسلام و ضدانقلاب خطاب می‌کرد (ساناساریان ۱۳۸۴: ۱۰) همچنین میزان مشارکت زنان از همان ابتدا در این نهضت بسیار کم‌رنگ بوده و تعداد محدودی از زنان در آن شرکت داشته‌اند (کشاورز شکری و رحمتی ۱۳۹۲: ۳۱).

۲. زن در جامعه از منظر سازمان مجاهدین خلق

عضویت زنان در سازمان مجاهدین خلق قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تنها به دلایل امنیتی و جلوگیری از سوءظن ساواک انجام نگرفت بلکه موضوع رقابت و برابری با دیگر گروه‌های مبارز نظیر فداییان خلق از دیگر دلایل پذیرش زنان در سازمان بود. خصایل اخلاقی به نام «اسنویسم» که به معنای تازه گرایی و نوگرایی و یا به اصطلاح روی مد بودن نسبت به مسائل روز و ترس از برجسب عقب ماندگی از طرف نیروهای چپ (قنبری ۱۳۸۷: ۲۰۵) باعث شد هویت زنان و نابرابری آن‌ها نسبت به مردان در جامعه مورد توجه هر بیشتر سازمان قرار گیرد. میثمی از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق درباره این موضوع در خاطرات خود می‌نویسد:

«تمایل داشتم رفیق دختر هم گروهی ما از جریانات نظامی عقب نیافتد؛ حتی نیز جلو باشد. وقتی عمیق می‌شوم می‌بینم شرکت رفیق دختر در طرح اجرای اعدام فاتح یزدی که توسط چریک‌های فدایی خلق انجام شده بود این تمایل را در من و دیگر هم گروهی‌ها تقویت می‌کرد» (میثمی ۱۳۹۸: ۱۶۹). این خصیصه اخلاقی بعد از پیروزی انقلاب همچنان در سازمان باقی ماند و این بار با انتشار نشریه مجاهد با مقالاتی تحت عنوان «زن در مسیر رهایی» که معمولاً در صفحات نخست روزنامه نوشته می‌شد به اثبات این ادعا می‌پرداخت که برای مبارزه با امپریالیسم باید دیدگاه مشخصی نسبت به موقعیت زنان در جامعه داشت و بدون آن هرگز این امر محقق نخواهد شد (نشریه مجاهد، فروردین ماه ۱۳۵۸: ۲). معرفی زنان برجسته انقلابی الجزایر، حمایت از زنان مبارز فلسطینی (نشریه مجاهد، سه‌شنبه ۴ دی ماه ۱۳۵۸: ۱۲) به عنوان الگو برای تشویق هر چه بیشتر فعالیت زنان در عرصه سیاست از مطالبی بود که همواره در نشریات سازمان عنوان می‌شد. آن‌ها با واگذاری مسئولیت متفاوت به دختران و زنان عضو سعی می‌کردند هویت جدیدی را به آن‌ها ارائه دهند که تأثیر به مراتب بیشتری نسبت به مردان بر آن‌ها داشت (جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵: ۳۸۲). رهبران سازمان همواره در سخنرانی‌های خود از زنان می‌خواستند که با از بین بردن موانع به فعالیت هر چه بیشتر در عرصه اجتماع پردازند؛ زیرا از آنجا که حرکت تاریخ نفی هرگونه نابرابری است؛ بنابراین با اجرای تساوی بین زن و مرد، جامعه بی طبقه توحیدی شکل می‌گیرد و در این جامعه آرمانی

زنان به آزادی و رهایی کامل دست پیدا خواهند کرد (نشریه مجاهد، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۹: ۳). سازمان باوجود آنکه نگاه نوگرایانه نسبت به مقوله زنان داشت اما از درون از عملکردی کاملاً متضاد برخوردار بود، عدم توجه به نظریات زنان عضو و شرکت آن‌ها در برخی از فعالیت‌ها از مواردی بود که می‌توان به آن اشاره کرد.

نتیجه‌گیری

در سال ۱۳۴۴ محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان «نهضت مجاهدین خلق» را تشکیل دادند از سال ۱۳۴۸ عضویت زنان از میان خانواده‌های اعضا به دلایلی چون استتار در برابر ساواک و برابری با دیگر رقبا موردپذیرش سازمان قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی و چرخش فعالیت‌های سازمان از فاز نظامی به فاز سیاسی نوع جذب از کانال خانواده به کانال اجتماع که شامل مدارس، دانشگاه‌ها، نهادهای مردمی و غیره بود تغییر کرد. از طرفی برخی زنان مسلمان که درصدد بودند وظیفه خود را با حضور در جامعه در قبال انقلاب اسلامی به انجام برسانند بر سر دوراهی حکومت وقت و سازمان مجاهدین خلق قرار گرفتند و در نهایت به سازمان پیوستند. سازمانی که با شعارهایی نظیر اسلامی بودن، عملکرد قوی و شعارهایی در زمینه تساوی حقوقی زنان با مردان، حمایت از آن‌ها برای مشارکت هر چه بیشتر در جامعه سر می‌دادند؛ البته همه این شعار به علت خصلت اخلاقی به نام «اسنویسم» مدگرایی و رقابت با دیگر احزاب بود و همچنان نگاه مردسالارانه در این سازمان سیاسی پابرجا و تبعیض‌های ناعادلانه بین زنان و مردان به مراتب دیده می‌شد. با این وجود عوامل غیرمستقیم نظیر دافعه احزاب اسلامی رقیب و نگاه سنتی نسبت به مقوله زنان در عرصه اجتماع و نبود تشکیلات لازم برای جذب آنان، زمینه را برای برخی از زنان برای پیوستن به سازمان مجاهدین خلق فراهم ساخت.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۹) **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) **صحیفه امام خمینی** (دوره ۲۲ جلدی)، تهران: مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی، چاپ چهارم.

- امیری، حکمیه. (۱۳۹۵) **خاطرات مریم بهروزی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بازرگان، پوران. (۱۹۹۹) **مصاحبه گزانت بو آر**، سایت اندیشه و پیکار، از: www.peykarandesh.org
- جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۵) **پیدایی تا فرجام «۱۳۸۴-۱۳۴۴»**، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، چاپ اول.
- حجازی، بنفشه. (بی تا) **زنان مبارز از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی**، بی جا، بی نا.
- حق‌بین، مهدی. (۱۳۹۳) **از مجاهدین تا منافقین**، «سیر تاریخی سازمان مجاهدین خلق از آغاز تا کنون»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- **خبرگزاری جمهوری اسلامی** به تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۹۵.
- دادستانی انقلاب اسلامی. (۱۳۶۳) **کارنامه سیاه**، مناظره زندانیان اوین، تهران: انتشارات دادستانی انقلاب اسلامی.
- **روزنامه حزب جمهوری اسلامی**، زن و توطئه امپریالیسم (سه‌شنبه، ۱۱ دی ماه ۱۳۵۸)، ش ۱۵۸.
- _____، سخنرانی خانم گرجی در دانشگاه تربیت معلم، (چهارشنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۵۸)، ش ۱۰۸.
- _____، نقش زن در جامعه، (شنبه ۵ آبان ماه ۱۳۵۸)، ش ۱۲۳.
- **روزنامه‌المیزان**، شهریور ۱۳۵۹، خانواده و نقش آن در اسلام.
- ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴) **جنبش حقوق زنان در ایران**، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: شرکت انتشارات اختران کتاب.
- سایت www.iichs.ir، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سایت <http://fa.shafaqna.com> ۱۳۹۶/۷/۷
- صابر، هدی. (۱۳۹۰) **سه هم‌پیمان عشق**، تهران: انتشارات صمدیه.
- صادقی، فاطمه. (۲۰۱۳) **زنان، قدرت و مقاومت در ایران پس از انقلاب**، وبگاه زنان و قوانین در جوامع مسلمان، بایگانی شده از اصلی در ۲۳ اوت ۲۰۱۳ دریافت شده در ۱۴۰۱/۶/۱۸.
- قنبری، خسرو. (۱۳۸۷) **ساخت روانی و جامعه‌شناسانه سازمان مجاهدین خلق با**

- نگاهی به مباحث تکنیکی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق.
- کار، مهرانگیز. (۱۳۷۹) مشارکت سیاسی زنان: موانع و امکانات، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کشاورز شکری، عباس و محمد رحمتی. (تابستان ۱۳۹۲) «شیوه‌های عضوگیری در نهضت آزادی (۱۳۵۷-۱۳۴۲)»، نشریه پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره ۳۱، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- متین، مهناز و ناصر مهاجر. (۱۳۹۰) خیزش زنان ایران در اسفندماه ۱۳۵۷، تهران: نشر نقطه.
- مراد حاصلی خامنه، اعظم. (۱۳۸۶) تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، اوراق بازجویی پروین پرتویی، شماره بازیابی ۱۸۳۱۳.
- _____، اوراق بازجویی زهرابه‌بودی، شماره بازیابی ۱۷۱۵۳.
- _____، اوراق بازجویی صغری خلدی، شماره بازیابی ۵۶۹۷.
- _____، اوراق بازجویی فاطمه حباب، شماره بازیابی ۱۱۴۸۳.
- _____، اوراق بازجویی فاطمه نوغانی، شماره بازیابی ۱۰۳۹.
- _____، اوراق بازجویی مریم میرزایی، شماره بازیابی ۱۷۱۳.
- _____، اوراق بازجویی منیژه بوستان، شماره بازیابی ۱۸۷۱.
- _____، اوراق بازجویی ناهید رجوعی، شماره بازیابی ۵۰۴۸.
- _____، اوراق بازجویی منیژه بوستان، شماره بازیابی ۱۸۷۱.
- _____، اوراق بازجویی نسرین ستوده، شماره بازیابی ۱۷۸۸۳.
- _____، اوراق بازجویی مرصیه غفاری، شماره بازیابی ۵۴۸۷.
- _____، شماره بازیابی ۱۷۱۵۸.
- _____، شماره بازیابی ۱۷۱۵۸.
- _____، شماره بازیابی ۵۶۸۹.
- _____، شماره بازیابی ۵۴۲۰.

- مصاحبه با مریم سنجایی، آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۴/۷.
- میثمی، لطف‌الله. (۱۳۹۸) تولدی دوباره، تهران: صمدیه.
- نجات حسینی، محسن. (۱۳۹۰) بر فراز خلیج فارس، تهران: نشر نی.
- نشریه چشم انداز، تابستان ۱۳۹۵، ویژه سی و هفتمین سالگرد درگذشت آیت‌الله طالقانی.
- نشریه مجاهد، ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۸.
- _____، ۱۷ فروردین ماه ۱۳۵۹.
- _____، اسفندماه ۱۳۵۸.
- _____، سه‌شنبه ۴ دی ماه ۱۳۵۸، شماره ۱۶.
- _____، سه‌شنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۵۷، شماره ۱۸.
- _____، فروردین ماه ۱۳۵۸، سال اول، شماره ۱.
- _____، یکشنبه ۴ خرداد ۱۳۵۹.
- نشریه نیمه دیگر، پاییز ۱۳۹۰، سال اول، شماره دوم.
- A group of researchers. (2015) *Pidayi until Farajam "1965-2005"*, Tehran: Institute of Political Research Studies. (In Persian)
- Abrahamian, Yervand. (2019) *Iran between two revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi, Mohammad Ebrahim Fatahi, Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- *Al-Mizan* newspaper, family and its role in Islam, Sep 1980.
- Amiri, Hakamieh. (2015) *Maryam Behrouzi's memoirs*, Tehran: Islamic Revolution Records Center. (In Persian)
- *Cashmanaz* magazine, special feature of the 37th anniversary of Ayatollah Taleghani's death, summer 2015.
- Ghanbari, Khosrow. (2008) *Psychological and sociological structure of the People's Mojahedin Khalq organization Looking at technical topics*, (Master's

- thesis), Imam Sadiq University. (In Persian)
- Ghanbari, Khosrow. (March 1993) *psychological and sociological construction of the People's Mojahedin organization*. (In Persian)
 - Hafizian, Mohammad Hossein. (September 1999) *Women's Political Participation in the Islamic Revolution*, University of Tehran, Faculty of Law and Political Science. (In Persian)
 - *Half other magazine*, first year, second issue, autumn 2019.
 - Haqbein, Mehdi. (2004) *from the Mojahedin to the Hypocrites, "Historical course of the People's Mojahedin Organization from the beginning until now"*, Tehran: Islamic Revolution Records Center. (In Persian)
 - <http://fa.shafaqna.com>
 - Interview with Maryam Sanjabi, Archives of the Islamic Revolution Document Center, 27/Jan/2012
 - Interview with Pouran Bazargan, Janet Boer, Andisheh and Pikar site. 1999.
 - Islamic Revolution Public Prosecutor's Office. (1984) *Office Black record, Evin prisoner's debate*, Tehran: Islamic Revolution Public Prosecutor's Office. (In Persian)
 - Islamic Republic News Agency on Dec 28, 2016.
 - Islamic Revolution Records Center (Marasan), interrogation papers of Fakhri Omranian, retrieval number 5567.
 - _____, interrogation papers, Nasrin Sotoudeh, retrieval number 17883.
 - _____,interrogation papers, Frank Moqrab, retrieval number 5627.
 - _____,interrogation papers, Manijhe Bostan, retrieval number 1871.
 - _____,retrieval number 17158.
 - _____,retrieval number 17158.
 - _____,retrieval number 5420.

- _____, retrieval number 5689.
- _____, Biography of Mehbooba Athedin, retrieval number 688.
- _____, Fateme Noghani's interrogation papers, retrieval number 1039.
- _____, Fatemeh Habab's interrogation papers, retrieval number 11483.
- _____, interrogation papers of Soghari Khaldi, retrieval number 5697.
- _____, interrogation papers of Nahid Regghi, retrieval number 5048.
- _____, interrogation papers of Manizhe Bostan, retrieval number 1871.
- _____, interrogation papers of Parvin Partoui, retrieval number 18313.
- _____, interrogation papers of Zahra Behbodi, retrieval number 17153.
- _____, interrogation papers of Maryam Mirzaei, retrieval number 1713.
- _____, Marzieh Ghaffari's interrogation papers, retrieval number 5487.
- Kar Mehrangiz. (2000) *Obstacles and Possibilities of Women's Political Participation*, Tehran: Roshangan Publications and Women's Studies. (In Persian)
- Keshavarz Shokri and Abbas Rahmati. (summer 2013) "methods of membership in the freedom movement (1965-1979)", *political research journal*, No. 31, pp. 160-133. (In Persian)
- Khomeini, R. (2000) *Collection of Imam Works*, Tehran: The Institute for the Compilation and Publication of the Works of Imam Khomeini. (In Persian)
- Maithami, Lotfollah. (2018) *"Rebirth"*, Tehran: Samadiyeh Publications. (In Persian)
- Mateen, Mahnaz and Naser Mohajer. (2010) *Women's Uprising in March 1979*, Tehran: Tanqin. (In Persian)
- *Mujahid magazine*, April 6, 1980.

- _____, first year, number, April 1979.
- _____, March 1980.
- _____, March 2, 1980.
- _____, number 16, Tuesday, Dec 25, 1979.
- _____, Sunday, May 25, 1980.
- _____, Tuesday, Jun 8, 1979, number 18.
- Murad Haseli Khamene, Azam. (2006) *Oral History of Women's Political Struggles*, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (In Persian)
- Nejat Hosseini, Mohsen. (2010) *Above the Persian Gulf*, Tehran: Nei Publications (In Persian).
- *Newspaper of the Islamic Republic Party*, Ms. Gerji's speech at Tarbiat Moalem University, (Wednesday, October 10, 1979), No. 108.
- _____, the role of women in the society, (Saturday, Oct 27, 1979), No. 123.
- _____, Women and the Conspiracy of Imperialism (Tuesday, 2 Nov 1979), No. 158.
- Saber, Hoda. (2010) *Three allies of love*, Tehran: Samadiyeh Publishing House (In Persian).
- Sadeghi, Fatima. (2013) *Women, Power and Resistance in Iran after the Revolution*, Women and Law in Muslim Societies website, archived from the original on August 23, 2013, Retrieved 9/9/2021. (In Persian)
- Sanasarian, Eliz. (2004) *Women's Rights Movement in Iran*, translated by Noushin Ahmadi Khorasani, Akhtran Kitab Publishing Company. (In Persian)
- *The list of election candidates from yesterday to today*, (Wednesday, Jan 1, 1980), No. 215.
- www.iichs.ir, Institute of Contemporary History of Iran.